

بدشگونی تاج‌گذاری شاه عباس در کوهسنگی

مرضیه ترابی! برخلاف باور خیلی از آن‌ها که دوست دارند تاریخ را با قصه‌گویی خودشان روایت کنند، فرمانروایی شاه عباس یکم، مقتدرترین حکمران صفویه، از قزوین شروع نشد، البته قزوین از دوره پدر بزرگ شاه عباس، یعنی شاه تهماسب یکم، پایتخت صفویه بود و تا میانه عصر شاه عباس نیز این مرکزیت را حفظ کرد، اما تردیدی نیست که آغاز قصه خونین و پرفراز و نشیب شاه عباس یکم با تاج و تخت صفویه، با ورودش به پایتخت رقم نخورد. ۴۶ سال قبل در چنین روزهایی -مهرماه سال ۹۶۷ خورشیدی- وقتی عباس میرزا، پسر محمد خدا بنده، فرمانروای کور و بی‌کفایت صفویه به قزوین رسید و تاج بر سر نهاد تا خودش را شاه عباس بنامد، دوسالی از نخستین مراسم آغاز فرمانروایی‌اش می‌گذشت. این درست همان بخش ناخوانده و فراموش شده از تاریخ زندگی فرمانروای مشهور صفوی است، حکایتی که در نخستین روزهای دی‌ماه سال ۹۶۴ خورشیدی در مشهد اتفاق افتاد و شاید همین اتفاق بود که سرنوشت شاه عباس و ایران را با هم تغییر داد، همان روزی که با تمهید «مرشدقلی خان استاجلو»، شاهزاده صفوی را به مشهد آوردند و برایش در کنار کوهسنگی مجلسی ترتیب دادند و تاج بر سرش نهادند.

روزگار آشفته خراسان

عباس میرزا که پیش از رسیدن به حکومت در هرات با عنوان ظاهری «میرزای خراسان» روزگار می‌گذراند، پسر محبوب محمد خدا بنده نبود. حمزه میرزا، برادر عباس میرزا، نزد والدینش جایگاه بهتری داشت. او را دوست می‌داشتند و برای جانشینی دودمان صفویه به وی دل خوش کرده بودند، مخصوصا که در اواخر حکومت شاه تهماسب، محمد خدا بنده به دلیل ابتلا به بیماری آبله، بینایی هر دو چشمش را از دست داده بود. اما با مرگ شاه تهماسب، حکومت مستقیما به دست محمد خدا بنده نیفتاد.

اسماعیل دوم که سال‌ها به امر پدر در قلعه «قَهقهه» زندانی بود، چون خرسی تیر خورده و شتری کینه‌به‌دل گرفته، به جان دودمان پدری‌اش افتاد و از کشته، پشته ساخت. عملکرد ویرانگر او طی کمتر از دو سال حکومت، چنان اوضاع مملکت را به هم ریخت که هرکدام از سران قزلباش را سودای حکومت بر سر افتاد و با همین هدف کوشیدند تا مقام لُلگی یکی از شاهزادگان صفوی را به دست آورند و به نام او بر سرزمین ایران حکمرانی کنند. با مرگ یا شاید قتل ناگهانی اسماعیل دوم، دولت مستعجل محمد خدا بنده آغاز شد، اما فرزندش حمزه میرزا که طالب سریر سلطنت بود، دست به اقدامات گسترده‌ای برای عقب راندن پدر زود در این گیرودار، عثمانی‌ها بر ایران هجوم آوردند و آذربایجان را اشغال کردند.

در همین زمان، ولایات شرقی نیز در آتش ایلغار ازبکان می‌سوخت. شواهد تاریخی می‌گویند که آن‌ها هم زمان و در هماهنگی کامل با عثمانی‌ها، به مرزهای شرقی می‌تاختند و دست به غارت‌های گسترده می‌زدند، با این‌حال آنچه نگران‌کننده به نظر می‌رسید، جدال بی‌پایان و کشنده امپراتری قزلباش بر سر کسب قدرت بود. آن‌ها برای تصاحب حکومت، شاهزادگان صفوی را مانند گوشت قربانی دست به‌دست می‌کردند. عباس میرزا با همان شاه عباس بعدی، ابتدا تحت نظر «شاهقلی سلطان» قرار داشت، اما بعد از مدتی در نزاع میان مرشدقلی خان استاجلو و علی‌قلی خان شاملو، حکم برگ برنده بازی قدرت طلبی را پیدا کرد.

واقعه سرنوشت‌ساز «سوسقید»

نزاع میان این دو فرمانده قزلباش کار را در خراسان

یادی از باغ وحش فراموش شده مشهد

مرضیه ترابی! برخی معتقدند که تاریخ تأسیس نخستین باغ وحش در شهر مشهد به سال ۱۳۲۹ خورشیدی بازمی‌گردد، زمانی که محمدعلی آذریان و امیر وجدانی، زمینی وسیع را در منطقه خواجه ربیع خریداری و تبدیل به باغ وحش کردند، با این حال سابقه فعالیت باغ وحش‌ها در مشهد بسیار بیشتر از این حرف‌هاست. علاوه بر دوره‌گردانی که نمایش حیوانات وحشی مانند خرس را وسیله امرار معاش خود کرده بودند و در عصر قاجار و اوایل پهلوی در برخی گذرهای مشهد معرکه می‌گرفتند، در دهه ۱۳۲۰ خورشیدی با ورود نخستین سیرک‌های نمایشی به شهر، پای حیوانات وحشی هم به مراکز تفریحی مردم باز شد. یکی از نخستین سیرک‌ها در مسیر «قلعه آبکوه»، در حاشیه جاده‌ای که امروزه آن را با نام «خیابان آبکوه» می‌شناسیم یا گرفت و در تابستان سال ۱۳۲۹ خورشیدی، برای مدت چندماه ابرار سرگرمی مردم بود. این سیرک در کنار نمایش‌های خاص و سرگرم‌کننده، حیواناتی وحشی -مانند شیر- را هم در معرض دید عموم قرار می‌داد، بنابراین در بررسی تاریخ تأسیس باغ وحش مشهد باید به چنین شواهدی نیز توجه داشته باشیم. یکی دیگر از نقاطی که در آن باغ وحش تأسیس

فتو مشهد



پرتخت نخستین عباس میرزا توسط قزلباش‌ها در خراسان، ۹۶۴ خورشیدی از کتاب خلاصه التواریخ احمد منشی قلی



یک نقاشی از چهره شاه عباس کبیر



به سلطنت رسیدن شاه عباس در کاخ چهل ستون قزوین، ۹۶۷ خورشیدی از کتاب خلاصه التواریخ احمد منشی قلی

به جاهای باریک کشاند. حکمرانان محلی این خطه، هرکدام براساس منافع خود با مرشدقلی خان یا علی‌قلی خان متحد شده بودند. در ابتدای کار، عباس میرزا در اختیار علی‌قلی خان بود و او به سودای غلبه بر همه رقبا در ایران همه کوشش خود را برای حفظ و نگهداری عباس میرزا به خرج می‌داد. مورخان معتقدند که خود عباس میرزا هم به علی‌قلی خان تمایل داشت و او را دایه اصلی خود می‌دانست؛ با این حال یک اشتباه راهبردی را کار را از دست علی‌قلی خان خارج و اوضاع را بر وفق مراد مرشدقلی خان استاجلو کرد. به علی‌قلی خان خبر رسید که «سلطانعلی خلیفه»، حاکم «قَهستان»، با مرشدقلی خان هم داستان است.

علی‌قلی خان با شتاب هرات را به مقصد قائن ترک کرد. غافل از آنکه این سفر آغازی بر پایان حیات بیولوژیک و سیاسی اوست. وی در «سوسقید» از روستاهای نزدیک ترشیز (کاشمر امروزی)، با نیروهای تحت فرمان مرشدقلی خان روبه‌رو شد. تعداد نیروهای علی‌قلی خان به شماره از مرشدقلی خان بیشتر بود، اما او با اتکا به حيله و شناختن نقاط ضعف علی‌قلی خان، چند نفر از بزرگان قزلباش را برای

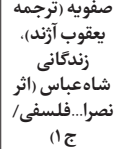


در منازل کسانی که آن سال‌ها به زیارت آمده و از باب تفریح، سری به کوهسنگی زده و از باغ وحش دیدن کرده بودند، یافت؛ منتها بیشتر آن‌ها بر این باورند که عکس را در باغ وحش وکیل آباد برداشته‌اند. تصویر امروزی یکی از محدود تصاویر در دسترس است که محوطه ساختمان باغ وحش کوهسنگی را بعد از جمع‌آوری نشان می‌دهد. عکس احتمالاً اوایل دهه ۱۳۲۰ خورشیدی گرفته شده است. در چشم‌انداز

تصویر، نشانه‌های توسعه و فعالیت‌های عمرانی در محوطه تفرجگاه کوهسنگی به چشم می‌خورد. اما هنوز محدوده باغ وحش، بافضاهای کاشی‌کاری شده نگهداری حیوانات تشخیص داده می‌شود. درختان و گیاهان سبز شده در محوطه نشان می‌دهد که عکس در بهار یا اوایل تابستان گرفته شده و بلندای درختان، گواه آن است که از زمان جمع‌آوری باغ وحش مدت زیادی نمی‌گذرد.



نخستین عکس ثبت شده از کوهسنگی در دوره ناصری / عکاس: عبدل قاجار



کوتاه‌از تشکیل نظامیه در ایران و مشهد، به مناسبت هفته نیروی انتظامی اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتسابیه



فرخدا پس از جلوس آغا محمدخان قاجار و انتخاب تهران به عنوان پایتخت، قاسم خان دولو با صد نفر تفنگچی به عنوان کوتوال تهران انتخاب شد. در دوره ناصری حکومت تهران مسئول اداره امور و حفظ نظم و امنیت شهر و انتظامات داخلی بر عهده قراولخانه‌ها بود که زیر نظر کلانتر و زیرستان او (نظیر

شحنه و داروغه) مسئول تأمین نظم و امنیت و به عبارتی مجریان وظایف و تکالیف پلیس بودند. ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به فرنگ «کنت دومونت فرت» و «برای تأسیس اداره پلیس از اتریش به ایران آورد و به‌وی مأموریت داد تا این اداره را با اسلحه و لباس مخصوص به سبک اروپایی در ایران تشکیل دهد. کنت «اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتسابیه» را بنیان نهاد و مردم برای نخستین بار با واژه پلیس آشنا شدند.

پس از عزل محمدعلی شاه و در اوضاع نابسامان کشور یکی از دغدغه‌های کابینه‌های مختلف، اندیشه گسترش نظامیه بود که نخستین بار در کابینه سپهدار مطرح و سپس در دولت‌های دیگر نیز پیگیری شد تا آنکه با تشکیل کابینه علاء السلطنه، دولت طرح استخدام مستشار را برای اصلاح نظامیه اجرا کرد. در همین راستا هم «یالمارسن»، مستشار ژاندارمری، «وستنداهل» و گروه او را برای مستشاری نظامیه ایران استخدام کردند.

«وستنداهل» و همکارانش «برگدال» و «ارفاش» سه‌ماه در تهران سرگرم مطالعه شدند و سپس به انتظام امور همت گماشتند. «برگدال» در استکهلم کارگاه و مأمور اداره آگاهی و تحقیقات جرائم و «ارفاش» پاسبان ساده بود که پس از تحویل گرفتن امور، وستنداهل به سمت ریاست کل نظامیه رسید و برگدال رئیس تأمینات و ارفاش نیز رئیس پلیس شد.

پس از چند سال وستنداهل چند مستشار دیگر نیز استخدام کرد. در میان مستخدمان جدید که رئیس نظامیه با آنان قرارداد امضا کرد، می‌توان از مازور «فول گل کلو» و مازور «برونیکوسکی» با سمت تشکیل دهنده پلیس دولت ایران و خانم «ابویس کامیلا گوو» برای مخابرات پلیس نام برد. وستنداهل از این گروه برای نظامیه تهران و برخی شهرهای کشور استفاده کرد.

استخدام مستشار در دوره پهلوی نیز ادامه داشت. در سال ۱۳۲۸ خورشیدی نیز مجلس شورای ملی قانون استخدام چهار سوئدی برای شهربانی کل را تصویب کرد. مبارزه با شیوه‌های جدید تبهکاران و بهره‌گیری از روش‌های نوین کشف جرائم و تعقیب مجرمان دلیل استخدام بیان شده بود. براین اساس «گران فلکه رشتت»، کمیسر و کماندن پلیس، به عنوان کارشناس عبور و مرور و تشکیلات مدارس پلیس برای ریاست هیئت کارشناسان فنی به خدمت دولت ایران درآمد. قرارداد سروان «یالمار برونو فریبرگ» مفتش پلیس جنایی، به عنوان کارشناس پلیس جنایی و مسائل مربوط به تحقیقات و استنطاقات پلیس بود؛ همچنین سروان «هاری ارلاند سالن» مفتش پلیس جنایی استکهلم، به عنوان کارشناس همه مسائل فنی پلیسی و معاینات محلی جرائم و سروان «گسترنینگسوس» به عنوان کارشناس امور زندان‌ها به‌کار گرفته شدند.

این روند به همین شکل ادامه پیدا کرد تا اینکه پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی، رضاخان که فرماندهی دیویزیون قزاق را برعهده داشت، تصمیم گرفت از ادغام دو نیروی قزاق و ژاندارمری دولتی، سپاهی ایجاد کند. او بالاخره قوام السلطنه صدر را راضی کرد و به این صورت یک سال بعد، قشون متحدالشکل ایجاد شد. متعاقبا به موجب این حکم در ۲۲ بهمن سال ۱۳۰۰ خورشیدی نیز اداره امنیه که زیرمجموعه وزارت جنگ بود، شکل گرفت. ناگفته نماند که پلیس ایران پس از انقلاب در سال ۱۳۲۰ خورشیدی از ادغام شهربانی و ژاندارمری به وجود آمد و اکنون با عنوان اختصاری «ناجا» به صورت رسمی مسئول حفظ امنیت داخلی کشور است.

تقویم تاریخ

به مناسبت ۱۵ مهر ماه، روز دام پزشکی در ایران

اسب‌ها علت ایجاد علم دام پزشکی بودند



فرخدا در ایران از گذشته‌های بسیار دور به دام پزشکی اهمیت داده می‌شده، چنان‌که در سفرنامه فیثاغورث، درباره زرتشت و آیین او، به فن دام پزشکی و درمان حیوانات هم پرداخته شده است؛ همچنین در کتاب اوستا نکات متعددی درباره پرورش حیوانات و روش درمان بیماری‌های دام به چشم می‌خورد و مسئولیت پرورش و درمان

بیماری‌های حیواناتی چون اسب، گاو، گوسفند، شتر، سگ و پرندگان، به عهده دام پزشکان بوده است؛ نیز به دلیل اهمیت زیاد نقش اسب در ارتش ایران باستان، دام پزشکی‌های تربیت، پرورش و درمان بیماری‌های اسب‌ها را به عهده داشتند. صاحب منصب محسوب می‌شدند. تاجایی‌که رئیس اداره دام پزشکی ارتش در زمان داریوش، دارای مقام سپهبدی و فرماندهی دسته سواره نظام بود. به تدریج تا سال ۵۰۰ میلادی دام پزشکی در ایران به صورت علمی و کلاسیک درآمد و مدرسه دام پزشکی با هدف درمان اسب‌های ارتش، ایجاد شد؛ بنابراین به دلیل نیاز روزافزون به داشتن افراد متخصص و کاردارن، دام پزشکان به نگارش کتاب‌هایی با عنوان پرورش اسب، فن سواری، درمان بیماری‌های عفونی و غیر عفونی پرداختند. به سبب پیشینه ارزشمند این شاخه از علم، چهارده مهرماه در کشور ما به طور رسمی روز دام پزشکی نام‌گذاری شد. پیشنهاد اصلی روز دام پزشکی را آقای دکتر حسن تاج‌بخش، نویسنده کتاب تاریخ پزشکی و دام پزشکی در ایران، ارائه کرد. در ایران باستان، چهاردهم هر ماه را «گوش روز» می‌گفتند که برگرفته از نام فرشته‌ای به نام «گانشوش» (فرشته نگه‌دار چهارپایان و جانوران سودمند) است. ایرانیان قدیم، چهاردهم دی را به‌همین مناسبت جشن می‌گرفتند. آقای تاج‌بخش، دلیل انتخاب چهاردهم مهر را به جای چهاردهم دی، چنین بیان کرد؛ چون مهرماه آغاز سال تحصیلی نو در ایران است و جشن مهرگان نیز در همین ماه قرار دارد، چهاردهم مهر به عنوان روز ملی و جشن دام پزشکان برگزیده شده است.

ایجاد فرمان تصویب قانون اجازه استخدام یل مار سن، متعصبی ایرانی از اتباع فرانسه

قرارداد استخدام کماندان گران فلکه رشتت به سمت کارشناس مسائل عبور و مرور و تشکیلات مدارس پلیس ایران، ۱۳۰۰ خورشیدی